

**Predigt zum Karfreitag, 29.3.2024,
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK),
Pfr. Gerhard Triebe**

Johannes 19,16-30:

پس پیلطوس عیسی را در اختیار ایشان گذاشت تا اعدام شود. سربازان او را گرفته، بردند، 17 و صلیب را بر دوشش گذاشتند و از شهر بیرون بردند تا به محلی به نام «جمجمه» رسیدند که به زبان عبری آن را «جلجتا» میگویند. 18 در آنجا او را با دو نفر دیگر مصلوب کردند یکی این طرف، یکی آن طرف و عیسی در وسط. 19 پیلطوس دستور داد در بالای صلیب او نوشته‌های نصب کنند که روی آن نوشته شده بود: «عیسای ناصری، پادشاه یهود». 20 بسیاری آن نوشته را که به زبان عبری، رومی و یونانی بود خواندند، چون جایی که عیسی را مصلوب کردند، نزدیک شهر بود. 21 پس، سران کاهنان به پیلطوس گفتند: «این نوشته را عوض کنید و به جای "پادشاه یهود" بنویسید: "او گفت که من پادشاه یهود هستم."» 22 پیلطوس جواب داد: «آنچه نوشته‌ام، نوشته‌ام و تغییر نخواهد کرد.» 23 وقتی سربازان عیسی را مصلوب کردند، لباسهای او را بین خود به چهار قسمت تقسیم نمودند؛ ولی وقتی به ردای او رسیدند، دیدند که یکپارچه بافته شده و درز ندارد. 24 پس به یکدیگر گفتند: «حیف است این را پاره کنیم. بنابراین قرعه میان‌دازیم تا ببینیم به که میرسد.» و این مطابق پیشگویی کتاب آسمانی بود که میفرماید: «لباسهایم را میان خود تقسیم کردند و بر ردای من قرعه انداختند.» پس سربازان نیز چنین کردند. 25 در پای صلیب، مریم مادر عیسی، خاله عیسی، مریم زن کلویا و مریم مجدلیه ایستاده بودند وقتی عیسی مادر خود را در کنار شاگردی که دوستش می‌داشت، دید، به مادر خود گفت: «این پسر تو 26 باشد.» 27 و به آن شاگرد نیز فرمود: «او مادر تو باشد.» از آن روز به بعد، آن شاگرد مادر عیسی را به خانه خود برد.

عیسی میدانست که دیگر همه چیز تمام شده است. پس برای اینکه مطابق پیشگویی کتاب آسمانی 28 عمل کرده باشد، فرمود: «تشنه‌ام.» 29 در آنجا یک کوزه شراب ترشیده بود. پس اسفنجی در آن فرو کردند و بر سر نی گذاشتند و جلو دهان او بردند. 30 وقتی عیسی چشید، فرمود: «تمام شد!» و سر خود را پایین انداخت و جان سپرد.

جامعه عزیز، یک محراب پاک شده، بدون گل، فقط یک شمع، یک صلیبی بزرگ - و پشت آن یک چیدمان آبی آسمانی با نیم دایره بنفش به شکل یک ردای بزرگ، که با یک لبه طلا قاب شده و در بالا باز می‌شود چگونه است. که با هم تناسب دارند؟ تصویر بدن برهنه، کتک خورده و شکنجه شده که به صلیب میخکوب شده - و لباس باشکوه و فوق العاده زیبا - به سختی می‌توان تضاد بزرگتری را تصور کرد. اما دقیقاً همین تضاد است که یوحنا می‌بشر به آن توجه دارد.

سایر انجیلان در گزارش‌های خود بر رنج عیسی تأکید می‌کنند: چگونه او را بی رحمانه تازیانه می‌زنند چگونه سربازان او را مسخره می‌کنند، چگونه او را برای مصلوب شدن دور می‌کنند و چگونه او چندین بار، خسته، زیر بار تیر صلیب بر زمین فرو می‌ریزد. راه رسیدن به محل اعدام آنها می‌گویند که چگونه سربازان سیمون اهل سیرنه را که در راه ایستاده است مجبور می‌کنند تا این تیر متقاطع را برای آخرین حرکت از او بگیرد. و سپس در آنجا بر روی صلیب آویزان می‌شود و در عذاب خود فریاد می‌زند "خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟"

برای بسیاری، این گزارش‌ها ممکن است ایده آنها را از مسیح مصلوب شده شکل داده باشد. برای برخی از آنها، این به خوبی با تصویر آنها از شکستی مطابقت دارد که ممکن است تصویر جدیدی از انسانیت همزیستی جدید بین زن و مرد به ارمغان بیاورد و صلح‌طلبی ثابتی داشته باشد، اما متأسفانه به دلیل واقعیت‌های این جهان شکست خورده است. ثبات او مطمئناً چشمگیر بود. اما اگر شاگردانش به کار زندگی او ادامه نمی‌دادند، امروز کسی درباره او صحبت نمی‌کرد.

یوحنا با شهادت خود از مصلوب شدن عیسی، تصویری کاملاً متفاوت را به ما ارائه می دهد. با او خبری از ناامیدی و عذاب نیست و قطعاً از شکست نیز خبری نیست. شرح او اساساً با سه بشارت اول فرق دارد.

این را گاهی در چیزهای کوچک می توان دید. یوحنا در اینجا دقیقاً در ابتدا تأکید می کند: "او خود صلیب خود را حمل کرد" (آیه 17). او صلیبی را که برای او در نظر گرفته شده بود حمل کرد، نه صلیب دیگری. مهمتر از همه، اینطور نبود که دیگری جای او را بگیرد و بمیرد و او زنده بماند. چنین حدس و گمان هایی به فیلم های جالبی تبدیل شده اند و کنجکاوی ما را وسوسه می کنند، اما صرفاً غیر کتاب مقدس هستند. اما آنها هم جدید نیستند. تنها چند دهه پس از نگارش انجیل یوحنا، دیدگاهی در مسیحیت جوان رایج شد، به اصطلاح «گنوسیسی»، که بر اساس آن مسیح به جهان بشری نازل شد اما در واقع انسان نشد و بنابراین شخص دیگری می خواهد این کار را انجام دهد. برای او مرد دیدگاه های مشابهی را می توان در قرآن به عنوان مثال در سوره چهار خواند. در مقابل، انجیل یوحنا تأکید می کند: خود عیسی صلیب را که برای او در نظر گرفته شده بود حمل کرد و بر روی آن نیز مرد.

یوهانس خود اعدام را با هوشیاری تقریباً سرد توصیف می کند. به این حقیقت که عیسی بین دو جنایتکار آویزان است اشاره می شود، اما توجه بلافاصله به عنوان صلیب جلب می شود: «عیسی ناصری، پادشاه یهودیان» (آیه 19). از آن زمان، این چهار حرف در بالای اکثر تصاویر صلیب در جهان ظاهر شده اند به عنوان پادشاه یهودیان، سربازان عیسی را. **INRI – Iesus Nazarenus Rex Iudaeorum.** مسخره کرده بودند. تاجی از خار بر سرش گذاشته بودند و او را کتک زده بودند. این گونه بود که پیلطس او را به یهودیان تقدیم کرد: ببینید این شخصیت بدبخت پادشاه شماسست! اما آنها نمی خواستند چیزی در مورد این پادشاه بدانند. پیلطس از کتیبه صلیب که معمولاً برای نشان دادن دلیل محکومیت در اعدام ها استفاده می شد، برای تمسخر یهودیان استفاده می کرد. به اعتراض آنها، او به سادگی پاسخ داد: "آنچه نوشتم - نوشتم." - آنچه پیلطس نوشت معتبر است و باقی می ماند. یک بار برای همیشه باقی می ماند: عیسی، پادشاه یهودیان. و به تمام جهان شناخته شده آن زمان به زبانهای عبری، لاتین و یونانی به زبانهای ملی رسمی و جهانی اعلام شده است: عیسی یک پادشاه است. پیلطس نادان و برخلاف میل خود شاهدهی برای پادشاه اسرائیل می شود. یوحنا بشارتگر می خواهد به ما بگوید: عیسی کسی نیست که شکست خورده باشد عیسی قربانی خطای عدالت نیست، بلکه پادشاه است - کسی که صلیبش به تخت سلطنتی تبدیل می شود. او در اینجا بر روی صلیب سلطنت خود را آغاز می کند

همچنین به راحتی می توان چیز کوچکی را که فقط یوهانس گزارش می دهد از دست داد: چهار سرباز لباس های مرد اعدام شده را به اشتراک گذاشتند. هیچ تکه لباسی بریده نشد. ظاهراً چیز خاصی بود زیر پوشی که از یک تکه بافته شده بود و هیچ درزی نداشت. با این سخن، مبشر به لباس کاهن اعظم اشاره می کند. طبق نوشته های یهودیان معاصر، آن را «از یک نخ بافته می شد»، بدون درز. کاهن اعظم روی این لباس زیر لباس بیرونی باشکوهی به تن کرد، همانطور که در صفحه پشت توضیح داده شد. این هنرمند «رنگ های این لباس بیرونی را در چیدمان خود گنجانده است. یوحنا با توصیفی که از «ردای دوخته نشده کرد، نشان می دهد که عیسی در اینجا به عنوان کاهن اعظم برای ما شفاعت می کند. کاهن اعظم یهودیان برای گناهان مردم به حضور خدا آمد و حیوانی را به عنوان قربانی به آنها تقدیم کرد، اما عیسی حتی برای ما شفاعت می کند به گونه ای که خود را برای ما قربانی می کند. مرد مصلوب پل بین خدا و مردم است. او راه را در رنج و مرگ - برای ما - می پیماید تا من و تو در پایان عمر خود برهنه و برهنه در برابر خدا. "بایستیم، بلکه "لباس نجات" و "لباس عدالت" بپوشیم

علاوه بر این، سربازان با قرعه کشی برای این تکه لباس، کاری را انجام می دهند که خداوند قرن ها قبل در مزمور 22 اعلام کرده بود: "لباس مرا بین خود تقسیم کردند و برای جامه من قرعه انداختند" (آیه 19) همانطور که در "خطای انتقام جویی" پیلاتس در سر ضربداری او، در اینجا نیز اعمال سربازان صرفاً ناشی از خودسری، پستی و بی رحمی انسان نیست، بلکه بیشتر خواست خداست

در نهایت، فقط یوحنا کلام عیسی را منتقل می‌کند: «من تشنه هستم!» (آیه 28) اما این نیز معنای عمیقی دارد و نباید فقط به صورت سطحی درک شود. آن که گفت: «اگر کسی تشنه است، بیاید پیش من و بیاشامد!»، این را فقط از عذاب کسی که زیر آفتاب سوزان رنج می‌برد نگفت. آنچه برای او مهمتر است این است که این «کتاب را کامل می‌کند». بنابراین تا آخرین لحظه او چیزی جز این در ذهن ندارد که اراده پدر در هر اتفاقی که می‌افتد انجام می‌شود.

بر این اساس، آخرین کلام عیسی به یوحنا این است: «تمام شد» (آیه 30). عیسی هر آنچه را که پدرش در آسمان به او گفته بود انجام داد. او همه چیز را تکمیل کرد. تا زمان مرگ، کاری را انجام داد که پدرش از او می‌خواست. او صرفاً قربانی رنجور ناتوان نبود، بلکه انجام دهنده بود، درست تا نقطه «تمام شد».

اما تأکید متفاوت یوحنا بشارتگر در طبقه بندی زمانی مرگ عیسی به وضوح آشکار می‌شود. بر اساس روایت او، عیسی دقیقاً در زمانی که بره های عید فصح در معبد اورشلیم ذبح می‌شوند، روی صلیب می‌میرد. بره یگانه خدا در مقابل این بره های بی شمار ایستاده است. همانطور که عیسی بر روی صلیب می‌میرد، هم دینان یهودی او تصور می‌کنند که چگونه خداوند آنها را از بردگی در مصر آزاد کرد، آنها را به آزادی رساند و زمینی را که به آنها وعده داده بود به آنها داد. بحث های سختی طول کشید تا سرانجام زمان فرا رسید و فرعون آنها را رها کرد. ابتدا فرشته مرگ مجبور شد از خیابان های شبانه مصر عبور کند و همه نخست زادگان را، اعم از انسان و حیوان، بکشد. با این حال از کنار خانه هایی گذشت که تیرک در هایشان به خون بره های عید فصح آغشته شده بود. بنابراین خون بره های پسخ، نخست زادگان خانواده های اسرائیلی را نجات داده و راه آنها را به سرزمینی که خدا به آنها وعده داده بود، ایمن کرد. بره یگانه خدا یک بار برای همیشه به چنین قربانی ها و ترس از فرشته مرگ پایان می‌دهد - همانطور که یوحنا در فصل اول کتاب خود عیسی را معرفی می‌کند، "بره خدا که گناه جهان را می‌برد". انجیل (آیه 35). - این واقعیت که پاهای عیسی پس از مرگش شکسته نشد، اشاره دیگری به بره پسخ است. انجیل صراحتاً: خاطر نشان می‌کند که این کتاب مقدس را که هدف بره های عید فصح را مشخص می‌کند، برآورده می‌کند: «پای آن را نشکنی».

تصویری که یوحنا از مرگ عیسی ترسیم می‌کند با تصویر سه انجیل اول تفاوت اساسی دارد.

او عیسی را به عنوان کسی که صلیب خود را حمل کرد و بر روی آن صلیب مرد، به ما نشان می‌دهد او که در پایان گفت: تمام شد. و چه کسی به میل خود روح را تسلیم کرد و از دنیا رفت

انجیل چهارم به ما عیسی را به عنوان پادشاه یهودیان برای تمام جهان نشان می‌دهد که از صلیب حکومت می‌کند

همچنین به ما عیسی را به عنوان کسی نشان می‌دهد که در مرگش آنچه در عهد عتیق نوشته شده بود با تقسیم جامه هایش و انداختن قرعه برای جامه اش انجام داد. و تشنه بودن و اشتیاق نوشیدن

یوحنا بشارتگر از فصل اول تا مرگش به ما نشان می‌دهد: این بره خداست که گناه جهان را برمی‌دارد و می‌برد

این تصویر یک عیسی ناامید نیست. مانند متی و مرقس، تصویر شخصی نیست که فریاد می‌زند که خدا او را رها کرده است. این یک عیسی شکست خورده نیست. شاید یک عیسی شکست خورده یا یک عیسی در اعماق پریشانی فانی گاهی به ما نزدیکتر باشد. اما در انجیل یوحنا، عیسی کسی است که به طور فعال اراده پدرش را از ابتدا تا انتها اجرا می‌کند و باقی می‌ماند. کسی که هر کاری انجام می‌دهد تا اراده خدا محقق شود، تا جایی که می‌گوید: "تمام شد." همچنین می‌توان ترجمه کرد: "من به هدف رسیدم!" صدای تابناک فریاد پیروزی او بره خداست که قربانی شد. همه گناهان بر اوست تا آرامش داشته باشیم و با زخم های او شفا یابیم. نجات جهان انجام شده است. و عیسی در دنیای جدید خدا پادشاه است.

و از آنجا که نجات جهان بر روی صلیب عیسی انجام شد، یک بار برای همیشه، ما از فشار ایجاد جهانی کامل رها می شویم. نجات ما به اعمال ما بستگی ندارد. این به ما بستگی ندارد که بر ناامیدی ها سردرگمی ها و اشتباهاتمان غلبه کنیم و همه چیز را بهتر انجام دهیم. ما رستگاری را درک نمی کنیم. کامل است.

،نصب با «لباس عیسی» در پشت صلیب دقیقاً با آنچه یوحنا بشارتگر می خواهد امروز به ما منتقل کند ،مطابقت دارد: مرد مصلوب، کاهن اعظمی است که برای ما در برابر خدا می ایستد و با فداکاری جان خود پل بین خداست و ما را می زند. او ما را از فرشته مرگ نجات می دهد، راه آزادی را برای ما هموار می کند و ما را از سرزمینی که خدا به ما وعده داده بود، بهشت در کنارش مطمئن می سازد. پس فردی که در اینجا به هدف خود رسیده است، زندگی ما را نیز به هدف خود می رساند. آمین